

# چگونه شوق یادگیری موسیقی را در فرزندمان بیشتر کنیم



[parsmusicinstitute](https://www.parsmusicinstitute.com)

[www.parsmusic.info](http://www.parsmusic.info)

آیا می‌توان گفت که کلاس موسیقی هرگز آده را خسته نمی‌کند؟ اصلاً چیزی هست که هرگز آده را خسته نکند؟ به هر حال آدمیزاد است و روح بلندپروازش که به آسانی دچار روزمرگی یا ملال‌زدگی می‌شود! کلاس موسیقی یا ساز یا درس یا رپرتوار هم ممکن است آده را خسته کند. فرزند آده ممکن است چندین و چند سال پیاپی سر کلاسش حاضر شود و در تمام این سال‌ها هم ملودی درس‌هایش را زیر لب زمزمه کند، اما ناگهان روزی می‌رسد که دیگر هیچ رغبتی به کلاس ندارد... خیلی‌ها این روزها را در نوجوانی تجربه می‌کنند.



ناگاه کلاس دیگر چنگی به دل نمی‌زند و هنرجو برای نخستین بار اعلام می‌کند که دیگر دوست ندارد به کلاس برود. مالا والدین بیچاره که این همه زمان و پول صرف کرده‌اند تا برای آینده‌ی فرزندشان زمینه‌سازی کنند و تأثیری بر این آینده بگذارند. واقعاً راهش چیست؟ بی‌شکی تنها کاری که نباید کرد این است که هنرجو را به زور بر سر کلاس نفرستیم؛ اما چه کار می‌توان کرد؟

پیش از هر کار باید به سراغ هنرآموزگار رفت. در گام نخست باید با خود مشورت کرد. او بهتر از هر کس می‌داند که فرزند شما به چه موسیقی‌هایی علاقه دارد. چه بسا که خودش با تجویز چند قطعه و دستکاری تمرین‌های هنرجو بتواند همه را از این پیچ دشوار به سلامت بگذارند.





البته خیلی باید فوش اقبال باشیم که ما را به همین آسانی به خیر و فوشی بینجامد و دیگر مشکلی بر سر راه نباشد. لیکن پیش از هر کار باید با هنرآموزگار مشورت کرد. حتی شاید لازم باشد کمی تعارف و مراعات را کنار بگذاریم و به صراحت درباره‌ی فواسته‌ها و اعتراضات هنرجو با هنرآموزگار سخن بگوییم. بهتر است که همه به روشنی حرف همدیگر را دریابند تا این‌که وانمود کنند مسئله‌ای نیست. پس حتماً پیش از مشورت با هنرآموزگار پای حرف فرزندان بنشینید و به‌دقت به گفته‌هایش توجه کنید. شاید یکی از اعتراضاتش این باشد که هنرآموزگار هنوز او را به پیشم کودک می‌نگرد!



در گام دوم شاید لازم باشد دنبال هنرآموزگار تازه‌ای بگردید. واقعاً هیچ عیب نیست که با شکل گرفتن شخصیت هنرجو، ناسازگاری‌هایی بین او و هنرآموزگارش پدید آید. کودکان در سال رشد هزاران تخییر می‌کنند و در ضمن نباید مسئله‌ی اضطراب‌های نوجوانی را دست‌کم گرفت. بد نیست همین موضوع را با خود هنرآموزگار در میان بگذارید. شاید او از پیش برای این دوره برنامه‌ای داشته باشد و خودش بداند که در دوره‌ی پیش رو کدام آموزگار برای فرزند شما مناسب‌تر است. اگر فرزندتان از چنین تخییری استقبال می‌کند، یعنی دست‌کم در میان مدت راه درستی برگزیده‌اید و بهتر است به این امکان جدی‌تر بیندیشید.



در گام بعدی باید فشار را کم کرد. فیلی از والدین در مین انتصاب ساز با فرزند خود شرط و شروطی می‌گذارند: «اگر تمرین نکنی، خودت می‌دانی!»، «این ساز فیلی گران است، باید قول بدهی که تمرین کنی...» فیلی از این گفته‌ها بین والدین و فرزندان‌شان رد و بدل می‌شود. گاهی چندان هم بی‌تأثیر نیست، ولی راستش مهم این‌جاست که هنرچو بدون احساس اجبار و فشار بتواند از چنین لحظه‌ی دشواری‌گذر کند. یکی از کارهایی که در این مرحله از والدین برمی‌آید این است که فشاری مضاعف بر دوش هنرچو نگذارند. شاید او و هنرآموزگارش بتوانند راهی در میانه باز کنند و با تخییر ساعت یا نمونه‌ی تمرین، کمی فشار را از دوش هنرچو بردارند.



از همین رو، بد نیست موضوع تمرین را کمی برای هنرجو تسهیل کنیم. باید به او اجازه دهیم تا دست‌کم برای مدتی ساعات تمرین را خودش انتخاب کند و حتی این ساعات را که کند. تمرین اندک و اختیاری بسا مؤثرتر است از تمرین اجباری. گاهی با کم کردن ساعت تمرین یا حتی با کاستن از حجم درس‌ها (اتودها) و تمرکز بر قطعه‌های دلفواه هنرجو، مسئله به آسانی حل می‌شود.

فیلی مهم است که مشکل بی‌علاقگی در چه دوران و سنی رخ می‌دهد. اگر فرزندان کمتر از ده سال دارد و ناگهان نسبت به کلاس موسیقی و ادامه‌ی راه بی‌اشتیاق است، هیچ بعید نیست که با تشویق و انگیزش به‌جا بتوان او را بار دیگر به موسیقی و کلاس و هنرآموزگارش امیدوار ساخت.





راستش این کار چندان هم آسان نیست. به‌ویژه که امروز ابزاری چون تلفن هوشمند و تبلت و نظیر این‌ها همه‌ی زندگی‌های ما را اشغال کرده است و هر کودکی و نوجوانی بیش از هر کار دوست دارد تا به جهان مجازی وارد شود و از پشت این دستگاه‌ها به دنیایی متصل گردد که بس فریبنده و سرگرم‌کننده هم هست. شاید یکی از کارهایی که از والدین برمی‌آید، به‌ویژه در دوران پیش از نوجوانی، این باشد که در ساعت تمرین همه‌ی وسایل الکترونیکی، از جمله تلویزیون و تبلت و تلفن را خاموش کرده و به تمرین فرزند خود آگاهانه و فعالانه توجه کنند. همین توجه و التزام می‌تواند به کودکی نشان دهد که کاری مهم در پیش رو دارد و همه‌ی اعضای خانه به کار او اهمیت می‌دهند.





موسیقی همچون آتشی است که دل و خانه را روشن و گرم می‌کند. همین‌که شعله‌هایش گرم‌تر شود، باید بر آن هیزه افکند و به هر ترتیب که شده این آتش را روشن نگاه داشت. گاهی ممکن است آتش زیر خاکستر بماند و کافی است کمی هوای تازه به این آتش برسانیم تا بارقه‌هایش از پس موانع بیرون بتابد و باز خانه را گرم کند.

